

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طـــــــنــــز

تیمورشاه تیموری

یک خاطره

خاطره ای را که درینجا مینویسم در دو قسمت ذکر میگردد. قسمت اول از دیروز و قسمت دوم آن مربوط به در حدود 60 سال قبل است. دیروز جناب معروفی صاحب تلفون کردند و گفتند در غزل «سر برد آمده» شما مصراع اول بیت نهم آنرا فهمیده نتوانستم، لطفاً آنرا بازخوانی کنید. خواندم که «نی ابا نی قبا نه ریشم هست». فرمودند که کلمه «ابا» به حرف عین نوشته میشود، هرگاه به الف نوشته شود، خاصاً درین بیت مفهوم مراد را اداء کرده نمیتواند. به گفته‌شان موافقت کردم که البته آنرا بدین قسم خوانده اید «نی عبا نی قبا نه ریشم هست».

اکنون سؤال وارد میشود که این کلمه را چرا به «عین» نوشته نکرده و به الف نوشته کرده ام؟ دلیل و سبب آن اینست که من از الف بسیار خوشم می‌آید؛ الف راست و مستقیم است، کجی و کوری را نمی‌پذیرد، صاف روشن و بی‌آلایش است. ازین راستی و استقامت او در همه جا در صنعت و در طبیعت استفاده گردیده، بی‌غل و بی‌غش است، حتی از نقطه عار دارد، آنقدر صاف و مستقیم است که شعرای دری زبان قامت دلدار را به آن تشبیه کرده اند و شروع آیات آسمانی قرآن به الف است. بنابراین من زیر تأثیرات درونی خویش «عبا» را به الف و بصورت «ابا» نوشته ام خواه معنی بدهد، خواه ندهد. اما اذعان میکنم که این کار را نفهمیده کرده ام و اگر در عالم فهمیدگی میبودم ابدأ این کار را نمیکردم و حرف الف محبوب و دوست خود را در کنار عبا و قبا و ریش که از هر سه آن نفرت شدید دارم، جای نمیدادم، برای «عبا» همان «ع» «کج و کج رفتار» و یک نقطه کم «غدار» بسیار مناسب است.

قسمت دوم:

تقریباً 60 سال قبل مضمونی در باره مواد خواب آوری که توسط مادران به اطفال شان داده میشد که تا خوب بخوابند و این مواد بشکل گولی و یا پودر خورنده میشد و از تریاک و دیگر مواد مخدر مرکب میبودند و برای اطفال زهر قاتل است و امروز و در همین حالا در مملکت ما بشکل وافر جریان دارد – مضمونی در جریده هفته وار «بیدار» مزار شریف نوشتم که

عنوان آن مضمون "حب خواب" یعنی "گولی خواب" بود و من آنرا نیز نظر به محبوبیت و احترامی که به "الف" داشتم، "اب خواب" نوشته بودم.

چند روز بعد وقتی باری به اداره بیدار رفتم مرحوم عبدالصمد جاهد مدیر جریده با مهربانی خاصی بطرفم دید و گفت:

« خدا ترا انصاف بدهد با کلمه "اب خواب". ساعت ها مرا سرگردان کردی تا بالاخره فهمیدم که مقصودت "حَبِ خواب" یعنی "گولی خواب" بوده.»

جناب معروفی صاحب زیاد سرگردان نشد و همینکه گوشک را برداشت موضوع بنزدش حل گردید، اما تا آن زمان که معروفی صاحب این سطور را نخواند و از الفت و محبت من به حرف "الف" واقف نشود، میدانم که قانع نمی شوند، ولی من به معروفی صاحب هوشدار میدهم که بعد ازین در هر جا که حرف "عین" بیاید نظر به احترامی که من به حرف "الف" دارم به الف نوشته میکنم، ولو در کلمه "عذاب" باشد که سالها مردم ما به آن مبتلاست، به مسؤلیت خود "اذاب" نوشته میکنم، معروفی صاحب اختیار دارند.

(المان - 25 اگست 2011)